

شئون امام در اندیشه ی شیخ مفید

## شئون امام در اندیشه ی شیخ مفید

مقصود از شئون، همان جایگاه ها و وظایف است. امام از آن جهت که ریاستی فراگیر بر عالم هستی دارد، جایگاه و وظایفی برای او تعریف می شود. اینکه او دقیقا دارای چه جایگاه و وظایفی در نظام تکوین و تشریح است، مسئله ای است که معرکه آراء بوده است. شیخ مفید از بزرگان کلام شیعی است که شناخت دیدگاه های او می تواند به شناخت فضای کلامی شیعی در مدرسه بزرگ بغداد در قرن چهارم و پنجم کمک شایانی کند. نوشتار حاضر بر آن هستیم تا به روش تحلیلی توصیفی با مطالعه همه جانبه آثار شیخ مفید، این مسئله را از دیدگاه وی کاوش کند. براساس مهم ترین یافته های این تحقیق، شیخ مفید درباره شئون تکوینی نظریاتی خاص دارد، اما دیدگاه های او درباره شئون تشریحی امام با دیدگاه های رایج در عصر حاضر همخوانی دارد.

منبع: معرفت، دی 1394 - شماره 217، فاریاب، محمد حسین

## مقدمه

امامت اساسی ترین باوری است که شیعیان را به لحاظ اعتقادی از دیگر مذاهب اسلامی جدا می سازد. با وجود این، سایه اختلافات درون مذهبی در مسائل مربوط به امامت گاه چنان سنگین بوده که طرفین، یکدیگر را به غلو یا تقصیر متهم کرده اند. از سوی دیگر، آشنایی با نظریات عالمان گذشته یک علم، برای دانشجوی آن علم امری لازم است تا بتواند با پیشینه فکری یک نظریه آشنایی بیشتری داشته باشد و اگر درصدد پذیرش یا انکار آن برآمد، با رویکردی عالمانه به این مهم همت گمارد.

مسئله شئون امامت از آن دست مسائلی است که همواره مورد بحث بوده است. هرچند متکلمان فصلی مجزا برای این مسئله نگشوده اند، نگاهی جامع به تمام آثار کلامی و غیرکلامی آنها نشان می دهد که تبیین شئون امامت دغدغه خاطر آنها بوده است. این نوشتار دیدگاه های شیخ مفید را می کاود.

در ابتدا، بجاست به این نکته اشاره شود شئون امام در یک تقسیم بندی کلان به سه قسم تقسیم می شود: شئون تکوینی، شئون تشریحی و شئون علمی.

پرسش های اصلی ما بر اساس همین تقسیم بندی شکل می گیرند. پس ما سه پرسش اصلی داریم: نخست آنکه دیدگاه شیخ مفید درباره شئون تکوینی امام چیست؟ دوم آنکه او چه نظری درباره شئون تشریحی امام دارد؟ سوم آنکه به باور شیخ مفید، امام از چه جایگاه علمی برخوردار است؟

وقتی از شئون تکوینی سخن به میان می آوریم، مقصودمان جایگاه امام در نظام تکوین است؛ یعنی در عالم انوار، دنیای کنونی و نیز سرای آخرت. شئون تشریحی نیز از ارتباط امام با شریعت حاصل می شود و شئون علمی نیز به جایگاه علمی امام در دو حوزه دین و غیردین می پردازد. اینها نیز همان مواردی است که به بررسی آنها به منزله مسائل فرعی خواهیم پرداخت. در آثار به جای مانده از متکلمان گذشته و هم روزگار، اثری از تفکیک شئون امام به سه حوزه

شئون تکوینی، تشریحی و علمی دیده نمی شود. افزون بر آن، بررسی دیدگاه های شیخ مفید نیز به طور خاص مورد توجه محققان نبوده است.

### آشنایی با شیخ مفید

محمد بن محمد بن نعمان العکبری البغدادی متولد سال 336 یا 338ق (ابن داود حلی، 1383ق، ص 334؛ طوسی، بی تا، ص 158)، معروف به شیخ مفید است. آوازه او محدود به دورانی که می زیست، نمی شود (کریمی زنجانی، 1383، ج 10، ص 179)، بلکه او متکلمی شهیر در همه دوران حیات فکری شیعه به شمار می آید. مهارت علمی شیخ نیز زبانزد عام و خاص است. این را از تعریف و تمجیدهایی که از او کرده اند، به خوبی می توان دانست. ابن الندیم وی را جلودار علم کلام و رئیس متکلمان شیعه در عصر خود دانسته است (ابن الندیم بغدادی، 1416ق، ص 310) و نجاشی که یکی از شاگردان شیخ مفید به شمار می رود، کمال استاد خود را در علوم کلام، فقه و حدیث، بالاتر از آن دانسته است که توصیف پذیر باشد (نجاشی، 1416ق، ص 399). خطیب بغدادی (463ق) از دانشمندان اهل سنت در سخنی کوتاه، شیخ مفید را گمراه کننده جمع بسیاری از مردم دانسته است (خطیب بغدادی، 1417ق، ج 3، ص 449) که این سخن، نشان از مقدار تأثیر شیخ در گسترش تشیع دارد. به گزارش طبرسی (548ق)، دو توفیق از ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام خطاب به او صادر شده است که نشان از جایگاه رفیع او نزد آن امام بزرگوار دارد (طبرسی، 1403ق، ج 2، ص 496-499).

او استادان گوناگونی از شیعه و معتزله داشته که شیخ صدوق (381ق)، ابن قولویه (367ق)، ابن جنید اسکافی (381ق) و ابن داود قمی (368ق) از جمله آنها هستند (شبییری، 1371). ریاست جامعه شیعی در شرایطی دشوار و پیچیده در شهر بغداد به او رسید، اما حضور متراکم شیعیان و سنیان متعصب چنان عرصه را بر مردم در این شهر تنگ کرده بود که بغداد بارها شاهد درگیری میان شیعیان و اهل سنت بود؛ درگیری هایی که گاه منجر به اخراج و تبعید شیخ مفید به عنوان رئیس شیعه از این شهر می شد (ابن اثیر، 1385ق، ج 9، ص 208). در چنین شرایطی، شیخ مفید وظیفه پاسبانی از اصول عقاید شیعه را بر عهده داشت. از کتاب الفصول المختارة به دست می آید که او مهارتی خیره کننده در فنّ مناظره داشته، از این روست که او را فردی حاضر جواب معرفی کرده اند (طوسی، بی تا، ص 158).

به گفته محققان، او حدود دویست کتاب نگارش کرده است (همان). اغلب این تألیفات همچون اوائل المقالات، تصحیح الاعتقاد، الفصول العشرة، الفصول المختارة و الافصاح فی الامامة مربوط به علم کلام است. شیخ مفید در مباحث مربوط به اصل امامت با ارائه مباحث جدید و برهان های عقلی و نقلی بسیار، نقش بسزایی در اثبات و تبیین دیدگاه امامیه در اصل امامت داشته است.

شیخ بزرگ شیعه در سال 413هجری قمری پس از تربیت شاگردان برجسته ای همچون سید مرتضی، شیخ طوسی و کراچکی از دنیا رفت (همان). او ابتدا در خانه اش دفن شد و پس از دو سال پیکر پاکش در پایین پای امام جواد علیه السلام و در جوار قبر استادش ابن قولویه به خاک سپرده شد (نجاشی، 1416 ق، ص 403).

### بخش اول: شئون تکوینی امام در اندیشه شیخ مفید

همان گونه که بیان شد، شئون تکوینی امام می تواند در سه عرصه قبل از دنیای مادی، دنیای مادی و سرای آخرت بررسی شود.

یکم. شئون تکوینی امام قبل از ورود به عالم ماده

شیخ مفید گاه روایاتی را نقل می کند که برای اثبات شئون امام قبل از عالم ماده مفید است؛

چنان که در موضعی، این فراز از برخی زیارت نامه های امامان علیهم السلام را نقل می کند: «بکم فتح الله و بکم یختم» (مفید، المزار، 1413ق، ص 111). همچنین در روایتی دیگر، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که خطاب به امام علی علیه السلام فرمودند: «يَتَا يَفْتَحُ اللهُ وَ يَتَا يَخْتَمُ» (مفید، الامالی، 1413ق، ص 28290).

او همچنین در آثار خود، ناقل روایاتی است که از وجود ارواح قبل از اجساد خبر داده، نخستین روحی را که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ایمان آورد روح امیرالمؤمنین علیه السلام معرفی می کند (همان، ص 113 و 114). بر اساس نقل شیخ مفید، امیرالمؤمنین علیه السلام نیز خود تأکید کرد که ایشان نخستین کسی بوده که حضرت رسول را تصدیق فرمود، درحالی که حضرت آدم میان روح و جسد بود (همان، ص 37).

با وجود این، به نظر می رسد نتوان به صرف نقل چنین روایاتی، به دیدگاه شیخ مفید رسید، به ویژه آنکه نظریات او گاه با روایات یادشده معارض است، از این رو، باید به دنبال سخنان صریح وی در این باره بود.

شیخ مفید درباره روایاتی که بیانگر آفرینش ارواح قبل از اجساد و نیز خلقت نخستین امامان علیهم السلام هستند، بر این باور است که الفاظ روایات یادشده با هم متفاوت بوده و معانی آنها نیز با یکدیگر متباین است، اما غالبان سخنان باطل فراوانی را بر پایه همین روایات مطرح کرده اند. وی در همین باره از کتابی با عنوان الأشباح و الأظلة یاد می کند که آن را به محمدبن سنان نسبت داده اند. به اعتقاد شیخ مفید، اگر این انتساب درست باشد، باید دانست که محمدبن سنان فردی است که متهم به غلو بوده و این مطالب نیز نشان از گمراهی او دارد و اگر این انتساب دروغ باشد، گناه آن به عهده منتسبان است.

به باور شیخ مفید، آنچه از این روایات می توان پذیرفت آن است که حضرت آدم علیه السلام، بر عرش اشباحی را دیده که درخشنده و نورانی بودند، آن گاه خداوند به وی فرمود که ایشان اشباح پنج تن آل عبا علیهم السلام هستند. شیخ دلیل این کار را تعظیم و بزرگداشت ایشان و مقدمه چینی برای بیان این مطلب دانسته که صلاح دین و دنیا با آنها به سامان می رسد. شیخ تصریح می کند که ایشان در آن عرصه، موجوداتی زنده و یا ارواح ناطقه نبوده اند، بلکه صورتی همچون صورت های بشری خود در این دنیا داشته اند، و نوری که بر آنان افکنده شده، بیانگر آن بوده که در آینده دین از نور آنان بهره مند خواهد بود (مفید، المسائل السرویه، 1413ق، ص 3840).

شیخ مفید، این روایت را که اسامی ائمه در عرش نوشته شده و حضرت آدم به هنگام توبه، خداوند را به حق ایشان قسم داد، نیز می پذیرد (همان). در همین زمینه، او روایتی را نقل می کند که وقتی حضرت آدم علیه السلام اشباح ائمه علیهم السلام را دید، خداوند وی را از این حقیقت آگاه کرد که «لولا الأشباح التي رأها ما خلقه و لا خلق سماء و لا أرضا» (همان، ص 39). او در موضعی دیگر، این سخن در روایات را مشهور می داند که اگر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام نبودند، خداوند آسمان، زمین، بهشت و جهنم را نمی آفرید (مفید، تفضیل امیرالمؤمنین، 1413ق، ص 33).

به باور شیخ، این سخن بیانگر فضیلت پیامبر و امام علی علیهم السلام و نیز منوط بودن مصلحت بندگان به شناخت آن دو و اطاعت از آن دو است (همان).

حاصل آنکه، اولاً، شیخ مفید از امامان در عالم نخستین، با عنوان اشباح یاد کرده، قدیم بودن اشباح امامان را منکر است (مفید، المسائل الکعبیه، 1413ق، ص 2729). ثانیاً، وی این سخن را که ذات امامان قبل از حضرت آدم علیه السلام وجود داشته باشد نیز باطل و دور از حق دانسته و آن را اعتقاد برخی غالبان و حشویه از شیعه می داند (همان). ثالثاً، به باور شیخ، این

سخن که تنها صورت امامان در عرش وجود داشته و خداوند به خاطر نشان دادن شرافت و عظمت آنها، آن صورت ها را به حضرت آدم نمایانده است، قابل قبول است (مفید، المسائل السروية، 1413ق، ص 41 و 42). رابعا ایشان در آن حالت، ارواحی زنده نبودند. خامسا، اینکه خداوند متعال به خاطر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام آسمان، زمین، بهشت و جهنم را آفریده است، سخنی مشهور است.

شاهد دیگری که در این باره می توان ارائه کرد آن است که در اندیشه شیخ مفید، عالم ذر توهمی بیش نیست و روایات بیانگر خلق ارواح قبل از اجساد، روایات آحاد است. او بر دیدگاه شیخ صدوق تاخته و تصریح می کند که قول به خلق ارواح قبل از اجساد، متعلق به تناسخیان است. او معتقد است: مقصود از روایات خلق ارواح قبل از اجساد، آن است که فرشتگان دو هزار سال قبل از خلق انسان ها آفریده شده اند (مفید، تصحیح الاعتقاد، 1413 ق، ص 8189).

وی توجیه دیگری نیز از این روایات ارائه می کند که بر اساس آن، خداوند در علم خود ابتدا ارواح و سپس اجساد را مقدر ساخت، اما در عالم تکوین، ابتدا اجساد و آن گاه ارواح آفریده شدند (مفید، المسائل السروية، 1413ق، ص 53).

نتیجه کلی که می توان از این قسمت گرفت آن است که شیخ مفید، وجود نوری امامان به گونه ای که موجوداتی زنده و فعال باشند و حتی ارواح دیگر انسان ها قبل از عالم ماده را قبول ندارد تا بخواهد برای انوار امامان علیهم السلام شئونی تعریف کند.

دوم. شئون تکوینی در عالم ماده

مهم ترین مسئله در باب شئون تکوینی در عالم ماده مسئله ولایت تکوینی است. آیا شیخ مفید ولایت تکوینی امامان علیهم السلام را می پذیرد؟

ولایت تکوینی

ولایت تکوینی در دو محور قابل بررسی است:

الف) تفویض مطلق: مقصود از ولایت بر تکوین یا همان «تفویض مطلق» آن است که امامان علیهم السلام بر جهان هستی ولایت داشته و خداوند امر رزق، تدبیر و احیا و اماته مخلوقات را به آنها سپرده باشد. روشن است که تفویض مطلق به لحاظ مقام تصور می تواند به گونه طولی و نیز به گونه عرضی و استقلالی در نظر گرفته شود. اعتقاد به تفویض و واگذاری امور عالم به طور عرضی و استقلالی به هر کسی، رهاوردی جز شرک به خداوند یکتا ندارد. از این رو، سخن در تفویض و واگذاری امور عالم مانند خلق و رزق و تدبیر به گونه طولی به امامان علیهم السلام است.

شیخ مفید به صراحت واگذاری امر خلق و رزق به امامان را اندیشه ای غالیانه دانسته و آن را غیر قابل قبول می شمارد (مفید، تصحیح الاعتقاد، 1413ق، ص 133 و 134).

ب) تفویض محدود: ولایت در تکوین یا همان «تفویض محدود» بدین معناست که امام تصرفات جزئی و محدود در نظام هستی داشته باشد.

این اصطلاح در آثار برجای مانده از شیخ مفید دیده نمی شود؛ با این حال، او معتقد است صدور معجزات از امامان علیهم السلام اگرچه به لحاظ عقلی، واجب نیست، روایات فراوانی بر صدور آن از ایشان تأکید دارند (مفید، اوایل المقالات، 1413ق، ص 68؛ همو، الفصول المختارة، 1413ق، ص 316). افزون بر آن، وی در کتاب الارشاد به تفصیل، با نقل روایاتی، به برخی معجزات و کرامات امامان علیهم السلام اشاره کرده است (مفید، الارشاد، 1413ق، ج 2، ص 182186).

سوم. شئون امام در سرای آخرت

شئون امام در سرای آخرت، در سه بخش جداگانه برزخ، قیامت و بهشت قابل بررسی است.

البته تفکیک این شئون در این سه مقطع به وضوح در آثار شیخ مفید دیده نمی شود؛ با وجود این، می توان معدود دیدگاه های او را در این عرصه بررسی کرد. شئون امام در عالم برزخ

به طور کلی، شیخ مفید وجود حیات برزخی را تنها برای برخی افراد پذیرفته است. به باور او، ارواح انسان هایی که نه مؤمن محض هستند و نه کافر محض، پس از مرگ تا قیامت به طور کلی نابود و معدوم می شوند (مفید، تصحیح الاعتقاد، 1413ق، ص 79). شیخ در موضعی دیگر نیز شیعیان را به چهار دسته تقسیم کرده و می نویسد:

«إنهم أربع طبقات طبقة يحييهم الله و يسكنهم مع أوليائهم في الجنان و طبقة يحيون و يلحقون بأئمتهم في محل الهوان و طبقة أصف فيهم و أجوز حياتهم و أجوز كونهم على حال الأموات و طبقة لا يحيون بعد الموت حتى النشور و المآب» (مفید، اوائل المقالات، 1413ق، ص 75).

بر اساس این عبارت، به باور شیخ، برخی شیعیان در عالم برزخ، زنده بوده و با دوستانشان در باغ ها و نعمت ها سکونت دارند. گروهی دیگر از شیعیان، زنده، اما در حال عذاب خواهند بود. گروه سوم، کسانی هستند که شیخ درباره زنده بودن آنها توقف کرده و گروه آخر، گروهی هستند که پس از مرگ، تا قیامت زنده نخواهند شد.

به باور شیخ، از جمله کسانی که حیات برزخی دارند، امامان علیهم السلام هستند. البته او شیعیان خالص را نیز به امامان ملحق می داند (همان). شیخ مفید معتقد است که امامان علیهم السلام پس از وفات، از زیر خاک به بهشت رفته و از نعمت های الهی بهره مند می شوند. آنها به انسان های درست کاری که به ایشان ملحق می شوند، بشارت می دهند. همچنین خداوند هر لحظه آنها را از حال شیعیان نشان آگاه ساخته و به گونه ای خاص کاری می کند تا ایشان صدای زائران را بشنوند (همان، ص 72 و 73). وی در کتاب المزار در یکی از زیارت نامه های امام حسین علیه السلام، عبارتی را نقل می کند که در آن، به زائر آموخته می شود که گویی امام صدای او را شنیده، جایگاه و نیز حاجت او را می داند. در این زیارت نامه، زائر حاجت های خود را نیز از امام می خواهد (مفید، المزار، 1413 ق، ص 111). البته شیخ مفید هیچ تحلیلی در این باره ارائه نکرده، و زیارت نامه یادشده را نیز با تعبیر «روی عنه» نقل کرده است. با وجود این، او در ابتدای این کتاب تصریح می کند که این زیارات را جمع کرده تا شیعیانی که به زیارت امامعلی و امام حسین علیهما السلام می روند، بدانند چه اعمالی را باید انجام داده یا چه اذکاری را باید بخوانند (همان، ص 3). با توجه به دیدگاه هایی که اخیراً از شیخ نقل شد، می توان همین مضمون را به شیخ مفید نسبت داد؛ بدین بیان که امام در عالم برزخ زائران را دیده، صدایشان را می شنود، به سلام آنها پاسخ گفته، بر برآورده ساختن نیازهای ایشان به اذن الله توانمند است.

شئون امام در قیامت

معدود دیدگاه های شیخ مفید، ما را به وجود برخی شئون برای امامان علیهم السلام در قیامت می رساند که در ذیل، به برخی از آنها اشاره می شود:

پرچمداری: اغلب دیدگاه های شیخ مفید درباره شئون اخروی امام، در باب فضایل امام علی علیه السلام در قیامت است. وی بر اساس روایات، امیرمؤمنان علیه السلام را پرچمدار به سوی بهشت می داند (مفید، تفضیل امیرالمؤمنین، 1413ق، ص 2931). شیخ مفید به مناسبتی نیز روایتی را نقل می کند که در آن، از پرچمدار بودن امام علی علیه السلام برای پیامبر سخن به میان آمده است (مفید، الامالی، 1413ق، ص 168).

بازگشت گاه و حساب رس مردم: از دیگر شئون تکوینی امام در سرای آخرت، نقش ایشان در حساب بندگان است. شیخ مفید مسئولیت حساب رسی مؤمنان گنهار را بر عهده رسول الله

صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام می داند. شیخ مفید بر این باور است که خداوند این مقام را به ایشان داده تا برتری آنها بر سایر بندگان را نشان دهد. شیخ، دلیل مدعای خود را اخبار مستفیض از صادقین علیهماالسلام می داند و پس از ذکر آیه «وَقُلْ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ» چنین می گوید که مقصود از «مؤمنون»، ائمه: هستند (مفید، اوایل المقالات، 1413ق، ص 78 و 79).

شهادت بر اعمال: شیخ مفید روایتی را نقل می کند که در آن، امام علی علیه السلام، خود و دیگر امامان علیهم السلام را شاهدان خدا معرفی کرده است (مفید، الارشاد، 1413ق، ج 1، ص 229). افزون بر آن، در ابتدای کتاب فقهی خود، امامان علیهم السلام را شاهدان بر اعمال رعایای خود در روز قیامت و پیامبران را نیز شاهدان بر اعمال امت خود می داند (مفید، المقنعة، 1413ق، ص 32).

جایگاه امام در اعراف: شیخ مفید در خصوص مسئله اعراف چند دسته روایت نقل می کند و در پایان تصریح می کند که آنچه می توان بدان قطع داشت، آن است که اعراف مکانی میان بهشت و جهنم است که دو گروه در آنجا حضور دارند: یکی از آن دو گروه، امامان و حجت های الهی هستند و گروه دوم، کسانی هستند که در انتظار امر خداوند برای ورود به بهشت به سر می برند (مفید، تصحیح الاعتقاد، 1413ق، ص 106 و 107؛ همو، تفضیل امیرالمؤمنین، 1413ق، ص 2931). البته شیخ مفید نقش و وظیفه امامان علیهم السلام در آن جایگاه را روشن نمی سازد.

جایگاه امام در موقف میزان: شیخ مفید در باب تبیین چیستی «میزان»، آن را به معنای «التعدیل بین الأعمال» دانسته است. به نظر می رسد مقصود وی همان ارزش گذاری و تعیین وزن اعمال است (ابن منظور، 1995، ج 11، ص 432). او بر این باور است که مسئولان این امر همان امامان پاک علیهم السلام هستند. شیخ این نکته را نیز اضافه می کند که این عقیده مورد اجماع ناقلان حدیث از امامیه بوده، اما از متکلمان امامی در این باره چیزی نشنیده است (مفید، اوایل المقالات، 1413ق، ص 78 و 79؛ همو، تصحیح الاعتقاد، 1413ق، ص 115).

جایگاه امام در موقف صراط: به اعتقاد او، «صراط» به معنای راه است. «دین» نیز راه نامیده می شود؛ زیرا طریق به سوی صواب است. ولایت امامان علیهم السلام نیز به همین خاطر، صراط نامیده می شود؛ زیرا معرفت و تمسک به ایشان طریق به سوی خداوند است. شیخ مفید، درباره صراط در قیامت، نیز می گوید که بر اساس روایتی، طریقی که از آن به بهشت وارد می شوند، مانند پلی است که مردم بر آن عبور کرده و آن صراطی است که رسول الله صلی الله علیه و آله سمت راست آن و امیرالمؤمنین علیه السلام سمت چپ آن قرار گرفته و خداوند به آن دو ندا می کند که «أَلْقِيا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ» (ق: 24) (مفید، تصحیح الاعتقاد، 1413ق، ص 108).

همچنین او روایت دیگری نیز آورده به این مضمون که عبور از صراط مخصوص کسانی است که از سوی امام علی علیه السلام نامه برائت از آتش به آنها داده شده باشد (همان).

چنان که پیداست، وی تحلیل خاصی در این باره ارائه نکرده است.

قسمت کننده بهشت و جهنم: شیخ مفید بر اساس روایات، امیرالمؤمنین علیه السلام را قسمت کننده بهشت و جهنم می داند (مفید، تفضیل امیرالمؤمنین، 1413 ق، ص 29 و 31)، اما درباره چیستی و چگونگی آن تحلیلی ارائه نمی کند.

شفاعت: شیخ مفید بدون استناد به روایات، از اتفاق نظر امامیه بر شفیع بودن پیامبر و امامان علیهم السلام سخن به میان می آورد؛ بدین بیان که پیامبر شفیع امت خود، و امامان نیز شفیع شیعیان بوده و بسیاری از گنه کاران نجات پیدا می کنند (مفید، اوایل المقالات، 1413ق، ص

47،79 و 80). آنچه در این دیدگاه قابل توجه است، آن است که شیخ مفید، امام را شفیع شیعیان و نه تمام امت می داند. گفتنی است به حسب تتبع نگارنده، شیخ مفید سخنی درباره شئون امام در بهشت نگفته است.

بخش دوم: شئون تشریحی

به نظر می رسد شئون تشریحی امام را می توان در چند محور بررسی کرد: تشریح دین، دریافت دین، مرجعیت دینی، قیم قرآن، حفظ دین، مرجعیت رفتاری دین، اجرای دین، و انتشار دین.

تشریح و دریافت مستقیم دین از خداوند متعال

شیخ مفید تأکید می کند که عقلاً نزول وحی بر امامان علیهم السلام ممتنع نیست، چنان که به مادر حضرت موسی علیه السلام وحی شد، اما از آموزه های دین نبوی به دست می آید که چنین امری پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله محقق نمی شود، و قول به نزول وحی پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطا و بلکه کفر است (همان، ص 68).

از این سخن، ظاهراً این مطلب برداشت می شود که حتی وحیی همانند آنچه بر مادر حضرت موسی علیه السلام نازل شد هم بر امامان نازل نمی شود؛ اما ایشان در موضعی دیگر تصریح می فرمایند که خدای سبحان به امامان علیهم السلام نیز علومی را القا میکند، اما پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، اصطلاح وحی بر این سنخ، القائات اطلاق نمی شود (مفید، تصحیح الاعتقاد، 1413ق، ص 131).

بنابراین در مجموع، امامان علیهم السلام نیز علومی را از جانب خدای سبحان دریافت می کنند، اما اینکه محتوای آن علوم، دین باشد، در سخنان شیخ مفید به آن اشاره ای نشده است.

مرجعیت دینی و قیم قرآن

شان مرجعیت دینی به معنای تبلیغ و تبیین معارف دینی مورد پذیرش شیخ مفید است. وی در بیانی به صراحت به این شأن اشاره می کند: «إنما الإمام نصب لأشياء كثيرة...الثانی بیان الحكم للمسترشدین» (مفید، اربع رسالات فی الغیبة، 1413ق، ج 1، ص 14).

شیخ مفید، مردم را در دریافت احکام شریعت نیازمند به امامان می داند (مفید، الافصاح فی الامامة، 1413 ق، ص 29).

بر همین اساس است که وی سخن کسانی را که معتقد بودند امامان علیهم السلام بسیاری از احکام را نمی دانند تا آنکه به قلب آنها القا شده یا آنکه از راه اجتهاد و رأی و گمان به حکم مسئله دست یابند، اندیشه ای باطل دانسته است که موجب تقصیر و تنزیل امامان از مقام حقیقی خود خواهد شد (مفید، تصحیح الاعتقاد، 1413 ق، ص 135 و 136). به گفته شیخ مفید، امام باید در هر عصری وجود داشته باشد تا خداوند به سبب وجود او بتواند بر بندگان احتجاج کند و با وجود اوست که مصالح دین تماماً محقق می شود (مفید، اوائل المقالات، 1413ق، ص 39).

نکته دیگر آنکه به نظر می رسد شیخ مفید، این اندیشه را که امام علیه السلام حجت خداست، از روایات گرفته است، چنان که در برخی زیارات چنین نقل کرده است: «أَنْتُمْ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ الْعَزْوَةُ الْوُثْقَى مَنْ تَمَسَّكَ بِهَا اهْتَدَى وَ مَنْ تَرَكَهَا ضَلَّ» (مفید، الامالی، 1413ق، ص 109 و 110). او به استناد همان روایات، بر این باور است که امامان علیهم السلام تنها حجت خدا برای مردم روی زمین بوده و حجت بر اهل آسمان نیستند (مفید، اربع رسالات فی الغیبة، 1413ق، ج 2، ص 15 و 16).



شیخ مفید، نگاهی به شأن قیم قرآن بودن امام نیز داشته است؛ بدین بیان که او از امامان با عنوان مفسران قرآن یاد می کند (مفید، الافصاح فی الامامة، 1413ق، ص 100). شأن تأویل دین برای امامان علیهم السلام است که مورد پذیرش شیخ مفید هم بوده است، هرچند که تأویل و بیان باطن کلام را از مقوله مجاز در کلام می داند (مفید، التذكرة باصول الفقه، 1413ق، ص 42). به باور شیخ، تأویل برخی آیات و روایات از امور لازم برای فهم دین بوده که بی اعتنایی به آن موجب انحراف خواهد شد. برای نمونه، وی جبرگرایی را نتیجه عدم توجه به تأویل دانسته، می نویسد: «ما دان أحد من أصحابنا قط بالجبر إلا أن یکون عامیا لا یعرف تأویل الأخبار» (مفید، الحکایات، 1413 ق، ص 83).

او خود از برخی تأویل های امامان علیهم السلام خبر داده (مفید، المقنعة، 1413ق، ص 369) و برخی از تأویل های عالمان شیعی را مستند به سخن امامان علیهم السلام کرده است (مفید، الافصاح فی الامامة، 1413ق، ص 91؛ همو، اوائل المقالات، 1413ق، ص 57).  
حفظ دین

حفظ دین از دیگر شئونی است که مورد توجه برخی متکلمان بوده است. شیخ مفید گاهی به صراحت از امامان علیهم السلام به منزله حافظان شریعت یاد می کند (مفید، اوائل المقالات، 1413ق، ص 65؛ همو، الفصول العشرة، 1413ق، ص 105 و 106). گاهی نیز با بیان و تحلیل تاریخ امامان علیهم السلام به گونه ای سخن می گوید که نتیجه آن، همان حفظ دین است. نمونه آن ماجرای موافقت امام علی علیه السلام با ازدواج ام کلثوم علیها السلام با خلیفه دوم است. شیخ مفید دلیل این موافقت را چنین توضیح می دهد که آن امام بزرگوار برای جلوگیری از خون ریزی و فساد در دین و دنیا با این ازدواج موافقت کرد (مفید، المسائل السروية، 1413ق، ص 91).  
اجرای دین (حاکمیت اجتماعی)

شیخ مفید در مواضع متعددی به این شأن اشاره کرده است. ایشان می نویسد: «إن الأئمة القائمين مقام الأنبياء فی تنفيذ الأحكام و... تأديب الأنام معصومون» (مفید، اوائل المقالات، 1413 ق، ص 65).

افزون بر آن، وی آن گاه که در مقام اثبات عصمت امام است، استدلال خود را بر محور وجود چنین شأنی قرار داده، می نویسد: «امام از عصیان معصوم است، از سهو و نسیان در امان است؛ زیرا مردم با رهبری کسی که مرتکب گناهان شده و در حقیقت احکام، اشتباه می کند و از حق گمراه می شود» (مفید، المسائل الجارودية، 1413 ق، ص 45).

بر اساس همین ویژگی یعنی عصمت است که شیخ مفید، امامان علیهم السلام را افرادی مفروض الطاعة از جانب خداوند دانسته و انکار امامت آنها را مساوی با کفر قلمداد می کند (مفید، اوائل المقالات، 1413ق، ص 44).

بخش سوم: شئون علمی

دیدگاه شیخ مفید درباره جایگاه علمی امام را می توان در چند گزاره خلاصه کرد:

1. امامیه هم داستان اند که امام باید پس از تصدی منصب امامت، به احکام و معارف دین عالم باشد (مفید، المسائل الجارودية، 1413ق، ص 45؛ همو، اوائل المقالات، 1413ق، ص 39).
2. روایات مستفیضه ای بر ثبوت علم امامان پاک علیهم السلام به امور نهانی وجود دارد (مفید، الارشاد، 1413 ق، ج 1، ص 313؛ ج 2، ص 185) که البته این علوم به نحو مستفاد و نه ذاتی هستند (مفید، اوائل المقالات، 1413ق، ص 67).
3. اینکه گفته شود امام همه چیز را می داند، ادعایی بدون دلیل است (مفید، المسائل العکبرية، 1413ق، ص 69).
4. آگاهی امام علیه السلام از امور غیردینی، ضروری نیست؛ ولی امری ممکن و واقع است و

به مصلحت و لطف خداوند بستگی دارد. برای نمونه، اینکه بگوییم امام علیه السلام عالم به باطن انسان هاست، خطاست. امام همچون مردم ظواهر را می داند و اگر هم عالم به باطن کسی باشد، از طریق آن است که خداوند به پیامبرش اعلام و او هم به امامان علیهم السلام منتقل کرده، یا آنکه در خواب به او فهمانده شده است. اما چنین نیست که بتوان گفت او قطعا عالم به باطن فلان شخص است (مفید، اوائل المقالات، 1413ق، ص 66؛ همو، الفصول المختارة، 1413ق، ص 114).

در همین زمینه، شیخ مفید درباره آشنایی امام با همه صنایع و نیز همه لغات بر این باور است که به لحاظ عقلی چنین چیزی اگرچه ممتنع نیست، عقلاً برای امام واجب نبوده، ضرورتی ندارد، و روایاتی نیز که در این باره رسیده است، مفید قطع نیستند (مفید، اوائل المقالات، 1413ق، ص 6667).

بنابراین در اندیشه او، امامان علیهم السلام لزوما عالم به تمام صنایع و لغات نیستند و روایات نیز در این باره قطع آور نیست.

شیخ مفید در برخی دیگر از آثار خود، علم به همه امور و نیز علم به باطن امور را شرط نبوت ندانسته است و برای اثبات نظریه خود، آگاه نبودن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علم نجوم و نیز امّی بودن او را مثال می زند (مفید، المسائل العکبریة، 1413ق، ص 34). افزون بر این موارد، شیخ مفید در برخی از آثار خود، این امر را ممکن می داند که امام بر اثر نداشتن علم به امور غیبی، در موارد قضاوت و داوری میان مردم، بر اساس ظاهر حکم کند و مرتکب خلاف واقع شود؛ اگرچه این امر را نیز ممکن نه واجب دانسته است که در این امور خداوند بر اساس لطف خود وی را از این اشتباه برهاند (مفید، اوائل المقالات، 1413ق، ص 66). از آنچه گذشت می توان نتیجه گرفت که در منظومه فکری شیخ مفید، امام علیه السلام شأن مرجعیت علمی در علوم غیردینی را ندارد؛ زیرا اگر چنین شأنی داشت، بایضورتا برخوردار از علوم غیردینی باشد، حال آنکه شیخ مفید معتقد است، امام علیه السلام ضرورتا از چنین علمی برخوردار نیست.

### نتیجه گیری

نتایج این نوشتار را می توان این گونه برشمرد:

1. شیخ مفید به طورکلی وجود ارواح قبل از اجساد را نمی پذیرد. همچنین او وجود نوری فعال و زنده امامان علیهم السلام را برنمی تابد، و معتقد است که تنها صورت های نورانی آنها آفریده شده بود.
2. شیخ مفید از اصطلاح ولایت تکوینی استفاده نکرده، اما حقیقت آن را در حد معجزات و کرامات برای امامان علیهم السلام قبول دارد، هرچند آموزه تفویض مطلق به نحو احیا و اماته، رزق و تدبیر عالم را اندیشه ای غالبانه می داند.
3. ایشان شئون متعددی را برای امامان علیهم السلام سرای برزخ و قیامت بیان می کند که نشان از آگاهی ایشان نسبت به روایات موجود در این باره است.
4. به باور شیخ مفید، پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وحی نیز قطع شده و حتی وحیی نظیر وحی به مادر حضرت موسی نیز بر امامان نازل نمی شود. ازاین رو، امام شأن تشریح و دریافت دین را ندارد.
5. شیخ مفید، شأن مرجعیت دینی، حفظ و اجرای دین را نیز برای امامان علیهم السلام می پذیرد.
6. شیخ مفید درباره شئون علمی امام، دیدگاهی خاص دارد و به طورکلی، این سخن را که

امام علم به همه چیز دارد برنمی تابد.

### منابع

- ابن اثیر، علی بن محمد، 1385ق، الكامل فی التاريخ، بیروت، دار صادر.
- ابن داود حلّی، حسن بن علی، 1383ق، رجال ابن داود، تهران، دانشگاه تهران.
- ابن منظور، محمدبن مکرم، 1995م، لسان العرب، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- ابن ندیم بغدادی، محمدن اسحاق، 1416 ق، الفهرست، تعلیق یوسف علی طویل، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- خطیب بغدادی، احمدبن علی، 1417ق، تاریخ بغداد او مدینه السلام، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- شبیبری، محمدجواد، 1371، «نجوم امت، تاریخ حیات شیخ مفید»، نور علم، ش 45، ص 6470.
- طبرسی، احمدبن علی، 1403ق، الاحتجاج علی اهل اللجاج، مشهد، مرتضی.
- طوسی، محمدبن حسن، بی تا، الفهرست، نجف، المكتبة المرتضوية.
- کریمی زنجانی، محمد، 1383، «مدخل شیخ مفید»، در: دائره المعارف تشیع، تهران، شهید سعید محبی.
- مفید، محمدبن محمدبن نعمان، 1413ق، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید.
- ، 1413ق، الافصاح فی الامامة، قم، کنگره شیخ مفید.
- ، 1413 ق، الامالی، قم، کنگره شیخ مفید.
- ، 1413ق، التذکرة باصول الفقه، قم، کنگره شیخ مفید.
- ، 1413ق، الحکایات فی مخالفات المعتزلة من العدلیة، قم، کنگره شیخ مفید.
- ، 1413ق، الفصول العشرة، قم، کنگره شیخ مفید.
- ، 1413ق، الفصول المختارة، قم، کنگره شیخ مفید.
- ، 1413ق، المزار، قم، کنگره شیخ مفید.
- ، 1413ق، المسائل الجارودية، قم، کنگره شیخ مفید.
- ، 1413ق، المسائل السروية، قم، کنگره شیخ مفید.
- ، 1413ق، المسائل العکبرية، قم، کنگره شیخ مفید.
- ، 1413ق، المقنعة، قم، کنگره شیخ مفید.
- ، 1413ق، اوائل المقالات، قم، کنگره شیخ مفید.
- ، 1413ق، تصحیح الاعتقاد، قم، کنگره شیخ مفید.
- ، 1413ق، تفضیل امیرالمؤمنین علیه السلام، قم، کنگره شیخ مفید.
- ، 1413ق، اربع رسالات فی الغیبة، قم، کنگره شیخ مفید.
- نقاشی اسدی، احمدبن علی، 1416ق، رجال النجاشی، تحقیق سیدموسی شبیری زنجانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.